

پژوهش در تاریخ، سال یازدهم، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

نقش دین و سنت در روابط خارجی ایران در دوره خسرو انوشیروان و تأثیر آن بر نگاه بیگانگان

امین بابادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

چکیده

خسرو انوشیروان چهره سیاسی مشهور ساسانی است که بخشی از شهرتش به خاطر روابط موفقیت‌آمیز سیاسی با دولت‌ها و حکومت‌های هم‌مرز با ایران بود. خسرو، که در بدو سلطنت با مشکلات جدی روبه‌رو بود، موفق شد در رویارویی نظامی با بیگانگان در بیشتر اوقات دست بالا را داشته باشد و با شکست بیزانس، فتح یمن و براندازی حکومت هپتالی قلمرو ساسانی را به میزان زیادی گسترش دهد. اما در روابط فرهنگی خسرو رویکرد متفاوتی اتخاذ کرد و به وام‌گیری و مرادده علمی و فرهنگی با دولت‌های بیگانه پرداخت که نتیجه آن پیشرفت علمی دولت ساسانی و شهرت خسرو به عنوان فرمانروایی دانش‌دوست نزد بیگانگان بود. در پژوهش حاضر با استفاده از منابع بیزانسی، سریانی و صدر اسلام روابط سیاسی و فرهنگی ایران با حکومت‌های بیگانه در زمان انوشیروان بررسی خواهد شد. منابع بیزانسی، سریانی و صدر اسلام چهره نسبتاً مثبت فرهنگی و اخلاقی از خسرو ترسیم می‌کنند که بازتاب روابط موفق خارجی خسرو در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی بین‌المللی است. بررسی منابع نشان می‌دهد که خسرو در روابط سیاسی، فرهنگی و علمی خود با دولت‌ها و حکومت‌های هم‌جوار همواره ایدئولوژی متکی بر دین زرتشتی و سنت پیشینیان را مد نظر داشت و اعمالش را بر این اساس سامان می‌داد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش اثبات این مدعاست که خسرو در روابط با بیگانگان از ایدئولوژی زرتشتی و سنت پیشینیان بهره می‌برد که در نهایت باعث نیکنامی او نزد بیگانگان شد.

واژگان کلیدی: خسرو انوشیروان، روابط خارجی ساسانی، دین دولتی ساسانی

^۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، دانشگاه تهران، aminabdalbabadi69@gmail.com

۱. مقدمه

خسرو یکم ساسانی که ملقب به انوشیروان دادگر (و یا عادل) بود از ۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی بر شاهنشاهی ساسانی فرمان راند. دوران حدوداً نیم‌قرنی حکومت او را باید زمان تحولات گسترده در ساختار درونی شاهنشاهی ساسانی دانست که در حوزه‌های مختلفی چون تقسیمات اداری، اقتصاد، دیوان‌سالاری، صنعت و امور نظامی به وقوع پیوست و برخی از اصلاحات او تا مدت‌ها پس از اسلام نیز دوام داشت. در اثر اصلاحات او در حق عموم مردم لقب دادگر (عادل) به بخشی از نام او تبدیل شد (Shapur Shahbazi, 2005). خسرو انوشیروان در آغاز تخت‌نشینی مجبور بود به جنگ ناتمام دوران قباد یکم با امپراتوری بیزانس بپردازد. همچنین خطر هپتالیان در شرق که از خطر رومی‌ها کمتر نبود، ذهن شاه جوان ساسانی را مشغول خود ساخته بود. به‌زودی خطر دستبردهای مردم کوچ‌رو خزر و عرب نیز در مرزها شدت گرفت و در نیمه دوم حکومت خسرو با ظهور قدرت ترکان در آسیای مرکزی خطرهای خارجی به اوج خود رسیدند. با این حال خسرو در داخل کشور نیز با مشکلاتی به همان نسبت مهم روبه‌رو بود؛ یعنی واقعه خیزش مزدکیان، شورش مردمان کوه‌نشین گیل و بلوچ و همچنین شورش پسرش انوش‌زاد. در این بین همچون بیشتر اوقات عمر دودمان ساسانی مسئله دگراندیشان که عمده آنان را مسیحیان تشکیل می‌دادند نیز از اهمیت بالایی برخوردار بود. مشکلات مذکور عملیات گسترده نظامی در داخل و خارج را ایجاب می‌کرد که خسرو تقریباً در همه آنها دست بالا را داشت و این مهم با تقسیم کشور به چهار حوزه نظامی ممکن شد. در جبهه بیزانس سپاه ایران در چند دوره پیروز بود و بخش‌های وسیعی از خاک دشمن را دستخوش تاخت و تاز قرار داد و از رومیان غرامت‌های هنگفت گرفت. در شرق خسرو، با اتحاد با ترکان نوظهور، هپتالیان را برانداخت و زمانی که با زیاده‌خواهی ترکان روبه‌رو شد، آنان را نیز از مرزهای خود دور کرد و نتیجه تمام نبردها در شرق تسلط ساسانیان بر تمام بخش‌های جنوب جیحون و همچنین بخش‌هایی از شمال این رود بود. در شمال قفقاز خطر خزرها پس از شکست آنان از قوای خسرو و پیوستن بخشی از آنان به ارتش ایران برطرف شد و در صحرای عربستان با سرکوب خشن خاطیان نظم برقرار شد. فعالیت‌های علمی و فرهنگی خسرو باعث شد تا علاوه بر منابع ایرانی، منابع بیگانه (بنگرید به ادامه) نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم

به ستایش او پردازند. دانشگاه جندی شاپور در دوران او به اوج شکوفایی رسید و نهضت عظیم ترجمه‌ای که او رهبری می‌کرد پایه‌ای برای شکوفایی علمی جهان اسلام شد.

بررسی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خسرو با سرزمین‌های همجوار (بیزانس، شبه جزیره عربستان و اقوام کوچ‌روی شمال شرق) نشان می‌دهد که او در مناسبات سیاسی خود با بیگانگان از خط مشی خاصی پیروی می‌کرد که باید آن را در دین زرتشتی و همچنین سنت پیشینیان خسرو (که دست کم در زمان او نمونه‌ای از برادری دین و دولت بودند) یافت. خسرو با قرار دادن خط‌مشی سیاسی خود بر مبنای دین زرتشتی در تلاش بود تا حکومت نیرومند ساسانیان نخستین را که در قرن پنجم میلادی دچار ضعف نسبی شده بود بازابد. در این بین مبنای قرار دادن دین زرتشتی و سنت پیشینیان در رویکرد سیاسی در رابطه با قدرتهای جهان شناخته شده آن زمان، موضوع بحث حاضر است. واژه «سنت» در لغت به معنی راه، روش و سیرت است (معین، ۱۳۸۷: ۶۰۳) و در تعریف جامعه‌شناسی رابطه تنگاتنگی با محافظه-کاری دارد (اکشلال، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۵) ولی با آن کاملاً هم‌سو نیست. در پژوهش حاضر منظور از سنت آداب و آرای اخلاقی و دینی شاهان پیشین است که به مرور زمان به بخشی از دستورالعمل کشورداری در ایران تبدیل شده بودند (که نمونه آن را می‌توان در خطبه‌های پادشاهی شاهان ساسانی در شاهنامه فردوسی دید) و در کشورداری انوشیروان تأثیر زیادی داشتند. منظور از «بیگانگان» در این پژوهش، صاحب‌نظران تابع دولت‌های بیزانس و حکومت‌های اسلامی است که بیشترین رابطه را با دولت ساسانی در زمان انوشیروان و پس از فروپاشی دولت ساسانی داشتند و به نوعی تحت تأثیر تحولات ایران ساسانی بودند.

مسئله اصلی این بحث بررسی ایدئولوژی حاکم بر سیاست خسرو یکم ساسانی در رابطه با بیگانگان و روابط آن با دین زرتشتی و سنت پیشینیان و همچنین تأثیر آن بر نگاه بیگانگان به شخصیت خسرو، بر اساس منابع بازمانده از دوران ساسانی است. با اینکه پژوهش‌های پرشماری درباره روابط خارجی ایران در دوران خسرو انوشیروان انجام شده است اما تا کنون کسی به بررسی ایدئولوژی سیاسی خسرو در رابطه با بیگانگان نپرداخته است. رویکرد پژوهش حاضر اندیشه‌گرایانه است و گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است.

۲. ایدئولوژی دینی خسرو انوشیروان در روابط با بیگانگان

اخلاق و سلوک انوشیروان نیز، همچون هر چهره سیاسی دیگر، دارای دو وجه داخلی و خارجی است. واکاوی عملکرد خسرو در قبال دوست و دشمن خارجی و همچنین دیدگاه بیگانگان درباره کشورداری او، می‌تواند دید ما را نسبت به شخصیت او تکمیل کند. شواهد دال بر آن است که خسرو در برابر بیگانگان عملکردی قاطع و گاه با خشونت داشته و گاه بیگانگان درباره شخصیت او دیدی منفی ابراز کرده‌اند.

خود خسرو در کارنامه خود ادعا دارد که پس از باج گرفتن از قیصر، ۱۰ هزار دینار آن را به بینوایان روم بخشیده است (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱۷۰). با توجه به حجم ویرانی‌های ایجاد شده در این جنگ، بخشش خسرو به احتمال زیاد به دلیل جلب حمایت اقوام مرزنشین دولت بیزانس به جانب خود بوده است. در رابطه با چین نیز ظاهراً خسرو روابط مسالمت‌آمیز را ترجیح می‌داده است. بنا به روایتی چینی، خسرو ظاهراً در آغاز حکومت خود یک دندان بودا را، که از کابل به دست آورده بود، همراه سفیری به دربار چین فرستاد (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۶۹). همچنین مسعودی از هدیه فرستادن شاهان چین و تبت به دربار خسرو گواهی می‌دهد (آلتهایم، ۱۳۹۸: ۱۴۱-۱۴۰). از آنجایی که ترکان نورسیده در مرزهای ایران دشمن دولت چین نیز بودند، این مناسبات دوستانه خسرو با چینیان مفهوم سیاسی بیشتری می‌یابد.

در رابطه با خزرها نیز خسرو جانب احتیاط در سیاست را رها نکرد. به گزارش مسکویه از *کارنامه انوشیروان*، خسرو در سال ۵۶۸ میلادی، پس از اعلام فرمان‌برداری از جانب خزرها، تعداد پرشماری از آنها را در اران و آذربایجان اسکان داد (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱۷۶؛ شاپورشهبازی، ۱۳۸۹: ۵۴۸-۵۴۷). این عمل خسرو را می‌توان هم اقدامی در جهت تحکیم نیروهای دفاعی نزدیک مرز قفقاز دانست و هم اقدامی برای ایجاد اختلاف میان ترکان و خزرها که ائتلاف خطرناکی را در مرزهای شمالی ایران از سیحون تا قفقاز تشکیل داده بودند.

در روابط مذکور با بیگانگان خسرو در هیئت شاهی صلح‌دوست نمودار می‌شود که این چهره او حتی در منابع غیرایرانی نیز قابل ردیابی است. به گفته طبری تجاوز تازیان تابع بیزانس به قلمرو تازیان تابع ایران روابط دو دولت را تیره کرد. خسرو با ارسال نامه به امپراتور روم و درخواست دادخواهی در تلاش بود تا از ایجاد درگیری نظامی جلوگیری کند ولی با بی‌اعتنایی

قیصر به درخواست خسرو، جنگ اجتناب ناپذیر بود (طبری، ۱۳۸۹: ۱۶۷). هر چند این گزارش متأثر از منابع ساسانی است اما روایت پروکوپئوس از دلیل آغاز جنگ به نوعی روایات ایرانی را تأیید می‌کند. او، ضمن تأیید اختلاف تازیان، به تلاش ژوستینین برای ایجاد اختلاف میان منذر (شاه حیره) و خسرو و همچنین نامه او به هون‌ها و تحریک آنان برای حمله به ایران اشاره می‌کند (Procopius, 2/1). در رابطه با هپتالیان نیز خطر دائمی آنان در مرز شرقی اقدام سریع خسرو را می‌طلبید. احتمال دارد که هپتالیان تا اوایل حکومت انوشیروان از ایران خراج می‌گرفتند (آلتهایم و استیل، ۱۳۹۱: ۷۷؛ کریستن‌سن، ۱۳۶۸: ۴۱۰) که بار اقتصادی سنگینی را بر ایران اعمال می‌کرد.^۱ در رابطه با تازیان سرکوب‌ها بیشتر به هدف ایجاد امنیت در راه‌های ارتباطی میان میان‌رودان و شبه‌جزیره بود (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۰۷۵-۱۰۷۶). البته این گزارش‌ها به این معنی نیست که انوشیروان را نباید شاه قدرت‌طلبی پنداشت بلکه باید گفت که سیاست کلی او بر پایه حفظ صلح با دولت‌ها و حکومت‌های همجوار (بیزانس، هپتالیان و ترکان) تا جای ممکن بود که البته در بیشتر مواقع ممکن نشد.

این سیاست صلح‌دوستی انوشیروان را می‌توان در دین زرتشت پی‌گیری کرد. در بند یازدهم از هات ۴۸ گاهان زرتشت آمده است: «کیانند که در برابر دروغ‌پرستان خونخوار رامش خواهند داد؟ کیانند کسانی که به نزدشان شناسایی منش نیک راه خواهد یافت» (پورداوود، ۱۳۸۴: ۵۵۲)؟ در دینکرد سوم نیز درباره شاهان پیشین ایران (که در متن به عنوان شاهان نیک‌نام از آنها نام برده می‌شود) آمده است: «هرگاه که ایشان دادگستری را پذیرا شدند و به نکویی کشورداری کردند و از پادشاهانی که پشت بر ستم‌کامگی دارند و بر بسته فریب و نبرد و کشت و کشتار و چپاول اند نبودند؛ بلکه بی‌کشت و کشتار و با دادگستری فرآراسته بر آنان [فرمان می‌راندند]، همه چیزشان رو به فزونی بود» (دینکرد سوم، دفتر یکم، ۱۳۸۱: ۵۴). اگرچه گزارش مذکور بیشتر مربوط به رابطه شاه با رعایای کشور خودش است، اما با توجه به اینکه آثار دینی و حماسی ایرانی شاهان ایران را شاه جهان می‌دانستند و دیگر شاهان (دست‌کم بسیاری از

۱. احتمال دارد که قباد در دوران حکومت خود برخی سرزمین‌های شرقی در حدود قندهار و بست را فتح کرده باشد که شاید تا پیش از آن در قلمرو هپتالیان بودند و این احتمالاً نشانگر مقابله قباد با هپتالیان بود. مدارک برای نتیجه‌گیری قطعی کافی نیستند. بنگرید به: (پاتس، ۱۳۹۸: ۸۴-۸۵).

شاهان بیگانه چون هند و روم) را خراج‌گزار ایران می‌دانستند، می‌توان این گزارش را به رابطه با حکومت‌های بیگانه مذکور نیز تعمیم داد.

در یک روایت مشهور، خسرو شهر وه انطاکیه خسرو در میان‌رودان را برای اسرای رومی می‌سازد. بنا به گزارش منابع ایرانی چون طبری، خسرو پس از فتح انطاکیه، مردم این شهر را به اسارت به ایران برد و شهری همچون انطاکیه برای آنان در جوار پایتخت ایران ساخت؛ به شکلی که شهر نو در کوچکترین جزئیات همچون انطاکیه بود (طبری، ۱۳۸۹: ۱۶۷). طبری همچنین گزارش می‌دهد که خسرو «برای کسانی که از انطاکیه به رومیه کوچانیده بود، روزی مقرر کرد و مردی از مسیحیان خوزستان را که پیشتر بر دست‌ورزان که برایش کار می‌کردند ریاست داده بود و براز نام داشت، برای سرپرستی آنان برگماشت» (همان: ۱۶۸). این گزارش گواه بر دو نکته است: امکان پیشرفت مسیحیان در سازمان اداری خسرو و اعطای حق شهروندی آزاد به اسرای مسیحی کوچانیده شده به کشور. پروکوپئوس نیز در گزارشی همانند اقرار می‌کند که خسرو برای این اسرا میدان و حمام‌های بزرگ ساخت تا بتوانند مانند شهر خود به تفریح و زندگی عادی بپردازند. خسرو فرمان داد تا وسایل رفاه مردم را فراهم کنند و آنان را رعایای شاهنشاه بنامند تا مستقیماً زیر فرمان شاهنشاه باشند (Procopius, 2/XIV). احتمالاً منظور پروکوپئوس تبدیل این شهر به یک دست‌گرد شاهی بوده است. البته باید دانست که گزارش مورخان رومی از نبردهای خسرو با روم بسیار یک‌طرفه بوده و از نسبت دادن برخی جنایات جنگی (به درست یا غلط) به شاه ساسانی خودداری نمی‌کردند؛ گزارش‌هایی که بعضاً با اسناد ایرانی (به خصوص شاهنامه (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۳۶/۷)) مغایرت دارند. البته اسناد ایرانی و به تبع آنها گزارش‌های اسلامی نیز با دیدی ستایشگرانه نسبت به خسرو نوشته شده‌اند و بنابراین برای استفاده از هر دو دسته منابع باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

در جای دیگر پروکوپئوس از رفتار خسرو با سربازی که در فتح شهر اپامیا قصد تجاوز به دختری را داشت سخن می‌گوید. خسرو این سرباز را، علی‌رغم بخشش مردم شهر، اعدام کرد (Ibid, 2/XI). البته غیر از بار اخلاقی داستان، انضباط نظامی نیز بدون تردید از محرکان اصلی خسرو برای این عمل بوده است. همان‌طور که بیان شد، مورخان بیزانسی سعی بر این داشته‌اند که گناه آغاز جنگ با بیزانس را به گردن خسرو بیندازند؛ اما از گزارش پروکوپئوس (2/I) و

منابع اسلامی (طبری، ۱۳۸۹: ۱۶۷؛ دینوری، ۱۳۶۴: ۹۷) برمی آید که جنگ به دلیل تحریکات بیزانس آغاز شده است.

در کوست خراسان (بخش شرقی کشور) نیز انوشیروان پنج شهر بنا کرد (دریایی، ۱۳۸۸: ۳۹) که احتمالاً با فتوحات شرقی او رابطه دارد. شهرسازی در فرهنگ ایران سابقه دیرینه دارد و علی‌رغم آگاهی از شهرسازی گسترده در دوره هخامنشی (ویزهوفر، ۱۳۸۰: ۱۰۳)، به شهرسازی کیانیان نیز در منابع ساسانی اشاره شده است (مثلاً متن *شهرستان‌های ایران‌شهر* که شهرسازی در نقاط مختلف را به شخصیت‌های کیانی نسبت می‌دهد). در این بین شهرسازی در بلخ توسط اسفندیار نمود خاصی پیدا می‌کند. به گزارش کتاب *شهرستان‌های ایران‌شهر*: «در بلخ بامی شهرستان نوازه را اسفندیار پسر گشتاسپ ساخت. و آتش بهرام ورجاوند را در آنجا نشانید، و نیز نیزه خویش را در آنجا زد و به ییغو خاقان و سنجبو خاقان و چول خاقان و خاقان بزرگ و گهرم و تژاو و ارجاسب شاه خیونان پیام فرستاد که به نیزه من بنگرید، هرکه به وزش این نیزه بنگرد، همانند این است که به ایران‌شهر تازیده» (*شهرستان‌های ایران‌شهر*، ۱۳۸۸: ۳۸). بنا بر این با توجه به پیشینه دینی اسفندیار، می‌توان این عمل را (که ترکیبی از شهرسازی و مرزداری در برابر خیونان نازرتشتی است) عملی دینی پنداشت. شهرسازی خسرو برای اسرای رومی و همچنین شهرسازی در شرق را می‌توان در چارچوب عملی سنتی در تاریخ ایران برای مقابله با بیگانگان دانست که طی آن هم شکست دشمن، هم استحکام مرزها و هم برقراری شرایط زیستی مناسب برای اسرای بیگانه مد نظر بود. با توجه به اینکه متن *شهرستان‌های ایران‌شهر* در اواخر دوره ساسانی نگاشته شده (همان: ۱۳)، می‌توان پنداشت که خاطره این عمل نیمه‌دینی اسفندیار در دوره انوشیروان زنده بوده است.

خسرو در مناسبات سیاسی و اقتصادی با بیگانگان نیز قاطع و گاه خشن عمل می‌کرده است. دکتر رضا گزارشی را از مناندر پروتکتور (محافظ) نقل می‌کند که زمانی که سغدیان و ترکان در حال تلاش برای شکستن انحصار تجارت ابریشم ایران بودند، با فرستادن سفیری از خسرو خواستند تا اجازه حمل ابریشم را از راه ایران به روم به آنها بدهد. خسرو که دلیل برای سازش با سغدیان و دست کشیدن از سود کلان دلالتی ابریشم برای ایران را نمی‌دید، بخش اعظم بار سغدیان را خریداری کرده و در مقابل چشمان نماینده آنان به آتش کشید (رضا، ۱۳۷۴:

(۹۵) و پس از آن نیز مانع برقراری ارتباط میان سغدیان و رومیان می‌شد (پیگولوسکا، ۱۳۹۴: ۶۴). خسرو سپس در مقابل سیاست بیزانس در نزدیک شدن به ترکان که همسایگان خطرناک ایران ساسانی بودند، با آوارها که در شمال بالکان با بیزانس همسایه بودند پیمان اتحاد بست (رضا، ۱۳۹۳: ۶۰۹). در نتیجه این تمهیدات سغدیان مجبور به همکاری با بازرگانان ایرانی شدند که ظاهراً در اقصی نقاط مشرق زمین زمام روابط تجاری را به دست گرفته بودند؛ و در نتیجه تجارت در شمال شرقی بیش از پیش بین‌المللی شد (Frye, 1993: 75).

در مجموع روابط ایران در زمان انوشیروان با همسایگان پرتنش بود که منجر به جنگ‌های پرشماری شد و در نهایت با فتح کامل دو سرزمین مجاور (یمن و هپتالیان) و شکست دو همسایه دیگر (بیزانس و ترکان)، نتیجه به سود انوشیروان و ایران پایان یافت. البته برخی گمان می‌کنند فتوحات پر دامنه انوشیروان و درگیری‌هایش با همسایگان بیشتر برای رقابت تجاری با دولت بیزانس بوده است که سیاست مشابهی را پیش گرفته بود (Frye, 1972: 269). با این حال نباید از مراودات فرهنگی غافل بود. مدتی پس از سال ۵۲۹ که یوستینین امپراتور روم مدرسه فلاسفه آتن را تعطیل کرد، دانشمندان این مدرسه به ایران آمدند و خسرو نیز آنان را پذیرفت. نام‌های آنها عبارت است از: داماسکیوس از سوریه، سیمپلیسیوس از سیسیل، اولامیوس از فریگیه، پریسکیانوس از لیدی، ایزیدور از غزه، هرمیاس از فینیقیه و دیوجانوس از فینیقیه (میرزایی، ۱۳۹۵: ۱۹۹). این دانشمندان در دربار خسرو مباحثاتی داشتند و حتی کتبی نیز تألیف کردند (دریایی، ۱۳۹۴: ۲۱۰). حتی یک مباحثه فلسفی و علمی که خسرو با پریسکیانوس داشت به صورت کتابی به نام «پاسخ‌های پریسکیانوس بر شکوک خسرو شاهنشاه» منتشر شد (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۶۰). همچنین می‌توان به سفر علمی برزویه پزشک به هند برای پژوهش در علوم هندی (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۰۶؛ نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۳۰) اشاره کرد. همچنین رساله پهلوی «گزارش شطرنج و نهش نیو اردشیر» (متون پهلوی، ۱۳۷۱: ۱۵۲-۱۵۷)، اگرچه نوشتاری افسانه‌ای به نظر می‌آید، اما به هر حال می‌تواند اشاره‌ای به روابط فرهنگی ایران و هند در دوره انوشیروان باشد. نهضت عظیم ترجمه کتب سرزمین‌های دیگر در دوران حکومت انوشیروان (تفضلی، ۱۳۷۶: ۳۱۶) را نیز نباید از یاد برد.

این رویکرد علمی خسرو انوشیروان را باید در اهمیت علم و دانش در دین زرتشتی جست. زرتشت در بند ۱۵ از هات ۳۲ گاهان گفته است: «از هر چیز بهتر آموزش مرد پارسایی است که از روی هوش باشد» (پوردوود، ۱۳۸۴: ۴۸۰). در دینکرد سوم نیز آمده است: «آهو (عیب و نقص) پذیری مردمان در [گستره] جان از راه کاستی در دانش است که این بن انگیز تباهی جان و تباهی خوی است» (دینکرد سوم، دفتر یکم، ۱۳۸۱: ۷۶). اوستای دوره ساسانی نیز مجمع همه علوم بود (یا ساسانیان این طور می پنداشتند). در گزارشی از دینکرد هفتم آمده است: «و یک شگفتی [دیگر] خود اوستاست که همه سخنان برتر جهان و چکیده همه دانایی هاست و برترین گفتار است» (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: ۲۴۹). هر چند انوشیروان به ادعای خودش پا را از دین و سنت فراتر نهاد چنان که در کارنامه خود از غور و پژوهش در علوم کشورهای دیگر سخن می گوید (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱۸۰-۱۸۱)؛ در علوم ملل مجاور چون هند و روم اشاره می کند (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۴۳۷) و همچنین در دینکرد چهارم به اضافه شدن علوم ملل مختلف به اوستا توسط شاپور یکم اشاره می شود (دینکرد چهارم، ۱۳۹۳: ۶۴). بنا بر این اقدامات علمی خسرو در رابطه با بیگانگان سبقت دینی و سنتی داشته است.

حتی در روابط هنری و فرهنگی نیز خسرو تاریک اندیش نبود. در دوران صلح روابط متقابل ایران و بیزانس به تبادل اطلاعات و تجربیات نه تنها میان دربارها که بین اشراف، روحانیون، فلاسفه و نظامیان نیز منجر می شد (Canepa, 2010: 123). به گزارش برخی منابع بیزانسی (چون پروکوپیوس و تئوفیلاکتوس سیموکاتا) یوستینین امپراتور وقت بیزانس به عنوان هدایایی دیپلماتیک، برای پیشبرد ساخت کاخ خسرو در تیسفون سنگ مرمر و همچنین متخصصین تزیین و سنگ کاری فرستاد (Ibid: 138). این شواهد می تواند نشانگر میل خسرو به ثبات در مرزها با همسایگان باشد.

۳. خسرو انوشیروان از نگاه بیگانگان

تشریح نظرات همه مورخان و صاحب نظران کهن درباره خسرو در این جستار نمی گنجد و نیاز به بحثی جداگانه دارد. با این حال می توان بازتاب شخصیت او را در منابع بیگانه بازجست. تأکید این بخش بر نوشته های پروکوپیوس، آگاتیاس (به دلیل هم زمانی با خسرو و رابطه

مستقیم نظامی و فرهنگی با ایران زمان انوشیروان) و آن دسته از حاکمان صدر اسلام (مانند پیامبر اسلام، خلیفه دوم و چهارم) است که به شکل مستقیم با دیوان سالاری ساسانی آشنایی داشتند و تأثیر اصلاحات خسرو را مستقیماً درک کرده بودند. به گفته مورخ بیزانسی معاصر خسرو پروکوپیوس قیصری، که در ارتش دشمن خدمت می کرد، خسرو فردی بسیار کینه جو بود (I/XI). او همچنین خسرو را شاهی ناآرام و فتنه انگیز می دانست. البته همان طور که بیان شد، درگیری خسرو با روم بیشتر حاصل تحریکات خود یوستینین بود. شاید با توجه به فضایی که خسرو در آن به شاهی رسید و توطئه های مزدکیان و برادرانش علیه او، تا حدودی این بدبینی توجیه شود (میرزایی، ۱۳۹۵: ۲۱۷).

آگاتیاس خسرو را فردی دانشمند و دانش دوست معرفی کرده و با تحیر از تسلط او بر علوم فلسفی سخن رانده است. گزیده ای از سخنان او در ادامه می آید: «در آغاز باید کمی درباره خسرو بگویم؛ مردم خسرو را با ستایش فرا می خوانند و او را بیشتر از آنچه شایسته است می ستایند. نه تنها ایرانیان، بلکه برخی رومیان نیز چنین هستند. ادعا می کنند که او ذوق ادبی داشت و در فلسفه ما نیز بسیار متبحر بود و دستور داد که آثار یونانی برای او به زبان فارسی ترجمه شود. این گونه گفته می شود که او بیشتر از ستاگیریت (ارسطو) مجذوب پابینی یا همان پسر الروس شده بود. او سرشار از آموزه های افلاطون پسر آریستون بود. می گویند که تیمایوس و نیز فایدو و گرگیاس (عنوان گفتگوهای افلاطونی) و حتی دیگر گفتگوهای هوشمندانه و پیچیده تر مانند پارمنیدس برای او قابل فهم بود. گرچه تصور می کنم بدون شک نظریه هندسی می دانست و درباره دگرگونی های طبیعت پژوهش می کرد. اما از نظر من تصور اینکه خسرو تحت چنین تعلیمی درباره موضوعات دشوار قرار گرفته باشد، غیرممکن است. چگونه خلوص و اصالت واژگان باستانی، آن چنان درخور و شایسته با طبیعت موضوع در زبانی عجیب و خالی از ظرافت می تواند به جا مانده باشد» (ادهمی، ۱۳۹۳: ۶۴۴-۶۴۵)؟ از این گزارش مشخص است که علم و دانش دوستی خسرو در روم نیز مشهور بود. داوری آگاتیاس درباره زبان پهلوی نیز معتبر نیست چون او زبان پهلوی را نمی دانست و از سرگیوس نامی درخواست ترجمه گزارش های پهلوی مخازن ساسانی را کرده بود (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۱۱۸). در رویدادنامه سعرت

نیز چنین گزارش شده است که او فلسفه را به طور جامع می‌دانست (آلتهایم و استیل، ۱۳۹۱: ۳۴۵).

اگرچه آگاتیاس اغلب دیدی خصمانه نسبت به خسرو داشت، اما او نیز در نهایت از ذکر اینکه «کارهای شگرف و مردانگی‌ها و قوانین او را برترین شاهنشاهی کرده است که تا زمان او بر ایران‌شهر فرمان رانده است» (شاپورشهبازی، ۱۳۸۹: ۵۵۳) خودداری نکرده است. از گزارش آگاتیاس چنین برمی‌آید که در زمان خسرو در میان مردم بیزانس، کشور ایران مشهور بوده که دارای دولتی بسیار عادل است، پادشاهی آرمانی همان‌گونه که افلاطون مد نظر داشته بر آن حاکم است، مردم بسیار منضبط و منظم هستند به شکلی که در میان آنها دزدی و جنایت وجود ندارد و کشور در امنیت کامل به سر می‌برد (ادهمی، ۱۳۹۳: ۶۴۵).

سبئوس ارمنی نیز مجموعاً دیدی مثبت درباره خسرو دارد و او را کسی که «تعلق خاطر به صلح و سعادت خلق نشان داد» و «پدر مملکت» می‌نامد؛ و از قول او می‌گوید: «این مردم را همچون دوستان و فرزندانم دوست می‌داشتم» (سبئوس، ۱۳۹۶: ۷۴). پیگولوسکایا در وصف خسرو از یوحنا افسوسی نقل می‌کند: «چنانکه از اعمال او می‌توان دریافت، مردی خردمند، کوشا و غیرتمند بود و در سراسر زندگی‌اش به آموختن فلسفه پرداخت» (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۶۷۸). حتی در کامبوج روایت افسانه‌ای وجود دارد که بر اساس آن برخی مردم گمان می‌کنند نخستین شاه اجدادی آنان «نورشون» نام دارد که همان انوشیروان است و این مردم کتابی به نام نورشون نیز داشتند که احتمالاً مرتبط با خسروی یکم باشد (ادهمی، ۱۳۹۳: ۶۴۸).

در دوره اسلامی نیز شخصیت انوشیروان مورد توجه دولت‌مردان و مورخان بوده و حدیث مشهوری از پیامبر اسلام که گفته است: «ولدت فی الزمن الملک العادل و هو انوشروان» در نوشته‌های مورخان مختلف تکرار شده است. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۸۷؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۱؛ مجمل التواریخ و القصص، ۱۳۱۸: ۹۶؛ طبری، ۱۳۸۹: ۱۷۶) عمر نیز شیفته کشورداری شاهان ایران به خصوص انوشیروان بود و گروهی از ایرانیان را گرد می‌آورد تا داستان شاهان ایران را بر او بخوانند تا از شیوه تدبیر و کشورداری آنان آگاه شود (فاتحی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۰-۴۱).

این نگاه بیگانگان در منابع ایرانی (و یا متأثر از ایران) تأیید می‌شود و مجموع گزارش‌های داخلی و خارجی گواهی بر شهرت نام نیک خسرو در زمان خود و دوران پس از خود (حتی با

وجود تغییر دین ایرانیان) است. دینوری درباره او می‌گوید: «میان پادشاهان ایران هیچ کس بیش از انوشیروان در طلب علم کوشا نبود و خود جامع فنون ادب و حکمت بود» (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۰۰). ابن اثیر پس از ذکر سخنانی از خسرو می‌گوید: «اینک به این گفته‌ها بنگرید که بر فزونی دانش و فراوانی خرد و نیروی خویشتن‌داری گواهی می‌دهد. کسی را که روزگار و کار چنین باشد، سزاوار است که تا روز رستاخیز وی را نمونه دادگری بدانند» (ابن اثیر، ۱۳۸۴: ۵۴۰). حتی در دوره‌های پسین اسلامی نیز همچنان شخصیت انوشیروان به عنوان شاهی دادگر و محبوب در اذهان باقی مانده بود؛ تا اندازه‌ای که گمان می‌کنند از نظر نقل اندرزها در آثار دوران اسلامی، انوشیروان پس از امام نخست شیعیان جایگاه نخست را دارد (میرزایی، ۱۳۹۵: ۲۳۴-۲۳۵). عنصرالمعالی اندرزهای انوشیروان را گرد آورده به فرزند خود سفارش می‌کند. حتی به گفته او انوشیروان فرمان داده بود نسخه‌ای از پندنامه‌اش را روی دیوار آرامگاهش بنویسند که به فرمان مأمون به تازی برگردانده شد (جوکار، ۱۳۷۹: ۱۰۱). سعدی نیز در گلستان می‌گوید:

زنده‌ست نام فرخ نوشیروان به خیر / گرچه بسی گذشت که نوشیروان نماند (سعدی، ۱۳۸۹: ۳۵)

برخی شواهد نشان می‌دهد که سخنان انوشیروان در دوران اسلامی به برخی بزرگان اسلام چون امام نخست شیعیان و ... نیز نسبت داده شده است. مثلاً حدیث «لا یُلَدَغُ المؤمن من جُجرٍ واحدٍ مرتین» از امام نخست شیعیان شباهت زیادی با این بیت از ابن‌یمین از قول انوشیروان دارد که:

دگر آنک بینادل هوشیار / ز کاری پشیمان نگردهد دوبار (جوکار، ۱۳۷۹: ۱۱۰)

نتیجه

خسرو یکم مشهور به انوشیروان دادگر از بزرگترین شاهان ساسانی و همچنین یکی از بزرگترین شخصیت‌های سیاسی آسیا است که در جنبه‌های مختلف علمی، فرهنگی، دینی، سیاسی و نظامی فعالیت‌های شایان ذکری داشت. او از زمان به تخت نشستن با مشکلات پرشمار اقتصادی و سیاسی مواجه بود که برای برطرف کردن آنها به یک ایدئولوژی غالب و منظم نیاز داشت. شواهد نشان می‌دهد که خسرو این ایدئولوژی را در دین زرتشت و سنت پیشینیان (که

دست کم به عقیده خسرو ریشه در دین زرتشتی داشت) یافت. در مرزها خسرو در آغاز با دو قدرت متخاصم بیزانس و هپتالی مواجه بود در شرایطی که جنگ با بیزانس و پرداخت خراج به هپتالیان را از پدر به ارث برده بود. مدتی بعد با سقوط هپتالیان قدرت نظامی ترکان با ایران همسایه شد که همچون هپتالیان اولیه مردمی کوچ‌نشین و غارتگر بودند. همچنین مشکلات اقتصادی همچون بازار تجارت در شمال شرق و در جنوب غرب، اقدامات سریع دولت ساسانی را می‌طلبید. خسرو موفق شد بحران‌های خارجی پیش‌آمده را با بهره‌گیری از سنت پیشینیان و دستورات دین زرتشت که بر حفظ صلح و ثبات در کنار گسترش امنیت در مرزها تأکید داشتند، به میزان زیادی کنترل کند. به رغم مشکلات سیاسی، خسرو از مراوده علمی و فرهنگی با دولت‌های متخاصم همسایه دست نکشید و با پذیرش دانشمندان فراری بیزانسی و گسترش علم در کشور جایگاه علمی شاهنشاهی ساسانی را به میزان زیادی بهبود بخشید. همچنین در استفاده از علوم دولت‌ها و ملت‌های دیگر، خسرو تاریخ‌اندیش نبود و در دوران حکومت او شمار زیادی از کتب علمی رومی و هندی به فارسی میانه ترجمه شدند. فعالیت‌های دادخواهانه و همچنین نگرش علمی خسرو از او چهره‌ای مثبت در منابع داخلی ساخت که مورد اشاره مورخان بیگانه معاصر نیز قرار گرفت. مورخان بیزانسی هر چند دیدی خصمانه به خسرو داشتند اما از ذکر اخلاق برجسته و فعالیت‌های مثبت او دریغ نکردند. این چهره مثبت در منابع اسلامی نمود بیشتری پیدا کرد و حتی از جانب پیامبر اسلام نیز مورد تأیید قرار گرفت. این پژوهش این فرضیه را مطرح کرد که در بیشتر موارد در روابط خارجی انوشیروان می‌توان توجه او به دین زرتشتی و سنت پیشینیان را باز یافت و خسرو در استفاده از آنها نیز نسبتاً موفق عمل کرد.

منابع و مأخذ

- آلتهایم، فرانتس، ۱۳۹۸، *ساسانیان و هون‌ها*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه روز.
آلتهایم، ف. و روت استیل و روبرت گوبل، ۱۳۹۱، *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: علمی و فرهنگی.
ابن اثیر، علی ابن محمد، ۱۳۸۳، *تاریخ کامل*، ترجمه حسین روحانی، تهران: اساطیر.

۱۰۰/ نقش دین و سنت در روابط خارجی ایران در دوره خسرو انوشیروان

- ابن ندیم، محمد ابن اسحاق، ۱۳۸۱، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
- ابوالمعالی نصرالله منشی، ۱۳۹۲، *کلیله و دمنه*، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: ثالث.
- ادهمی، سیامک، ۱۳۹۳، «شخصیت خسرو انوشیروان»، *تاریخ جامع ایران جلد دوم*، ترجمه ندا اخوان اقدم، تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۶۳۷-۶۵۰.
- اکشلال، رابرت، ۱۳۸۵، «محافظة کاری»، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد قاند، تهران: مرکز.
- بلعمی، ابوعلی محمد ابن محمد، ۱۳۵۳، *تاریخ بلعمی*، تصحیح محمدتقی بهار، تهران: تابش.
- پاتس، دنیل ت.، ۱۳۹۸، «ایران ساسانی و مرزهای شمال شرقی آن، دفاع و روابط دیپلماتیک»، *جندی شاپور*، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان، ۷۰-۹۱.
- پورداوود، ابراهیم، ۱۳۸۴، *گاتها*، تهران: اساطیر.
- پیگولوسکایا، نینا، ۱۳۷۲، *اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم-ششم میلادی*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ، ۱۳۹۴، *ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی*، ترجمه کامبیز میربهاء، تهران: ققنوس.
- تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن.
- تعالی، ابومنصور عبدالملک ابن محمد ابن اسماعیل، ۱۳۶۸، *غرر اخبار ملوک فرس و سیرهم*، ترجمه محمد فضائلی، تهران: نقره.
- جوکار، نجف، ۱۳۷۹، «پندنامه انوشیروان در دیوان ابن‌یمین فریومدی و مقایسه با چند اثر ادبی دیگر»، *شناخت*، شماره ۲۸، ۹۷-۱۱۰.
- دریایی، تورج، ۱۳۹۴، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- دینکرد سوم دفتر یکم، ۱۳۸۱، *آوانویسی و ترجمه فریدون فضیلت*، تهران: فرهنگ دهخدا.
- دینکرد چهارم، ۱۳۹۳، *پژوهش مریم رضایی*، زیر نظر سعید عریان، تهران: علمی.
- دینکرد هفتم، ۱۳۸۹، *محمدتقی راشد محصل*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضا، عنایت‌الله، ۱۳۷۴، *ایران و ترکان در روزگار ساسانیان*، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____، ۱۳۹۳، «سیاست خارجی شاهنشاهی ساسانی»، *تاریخ جامع ایران جلد دوم*، تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۵۷۵-۶۲۰.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۳، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: امیرکبیر.
- سبتوس، ۱۳۹۶، *تاریخ سبتوس*، ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، تهران: ققنوس.
- سعدی، مشرف الدین مصلح ابن عبدالله، ۱۳۸۹، *گلستان*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: عارف کامل.
- شاپور شهبازی، علیرضا، ۱۳۸۹، *تاریخ ساسانیان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

پژوهش در تاریخ، سال یازدهم، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰/۱۰۱

- شهرستان‌های ایرانشهر، ۱۳۸۸، به کوشش تورج دریایی، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۳۸۹، *تاریخ طبری*: مندرج در کتاب *تاریخ ساسانیان*، ترجمه علیرضا شاپور شهبازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فاتحی نژاد، ع.، ۱۳۹۳، «ایرانیان و عرب‌ها از پیش از اسلام تا عصر فتوح»، *تاریخ جامع ایران جلد ششم*، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۸-۷۰.
- فردوسی، ۱۳۶۶، *شاهنامه*، تصحیح جلال خالقی مطلق، نیویورک.
- گریستن‌سن، آرتور، ۱۳۶۸، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی، ۱۳۶۳، *تاریخ گردیزی*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- متون پهلوی، ۱۳۷۱، گردآوری جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا، گزارش سعید عریان، تهران: کتابخانه ملی.
- مجمل‌التواریخ، ۱۳۱۸، تصحیح ملک‌الشعراى بهار، تهران: خاور.
- مسکویه، ابوعلی، ۱۳۶۹، *تجارب الامم*، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- معین، محمد، ۱۳۸۷، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: فرهنگ نما.
- میرزایی، علی اصغر، ۱۳۹۵، *خسرو یکم/نوشیروان ساسانی*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- ویزهوفر، یوزف، ۱۳۸۰، *ایران باستان*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
- Canepa, Matthew.P, 2010, "Distant Displays of Power", *Ars Orientalis, Vol 38, Theorizing Cross-Cultural Interaction Among the Ancient and Early Medieval Mediterranean, Near East and Asia*, Michigan: Freer Gallery of Art, The Smithsonian Institution and Department of History of Art, University of Michigan.
- Frye, Richard N., 1972, "Byzantine and Sasanian Trade Relation with Northeastern Russia", *Dumbarton Oak Papers*, Vol 26, 263-269.
- _____ , 1993, "Sasanian-Central Asian Trade Relation", *Bulletin of the Asia Institute , New Series, Vol 7, Iranian Studies in Honor of A.D.H. Bivar*, 73-77.
- Procopius, 1914, *History of the wars*, Translated by Dewing. H. B, Edited by T.E. Page, W. H. D. Rouse, London: W. Heinemann.
- Shapur Shahbazi, Alireza, "SASANIAN DYNASTY," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2005, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/sasanian-dynasty> (accessed on 27 January 2016).